

الگوهای دخالت دولت در کانون‌های وکلا؛ مطالعه موردی اتریش

علی بهادری جهرمی^۱، روح اله همت طبالوندانی^۲، کمال کدخدامرادی^۳

چکیده

استقلال کانون‌های وکلا به عنوان یکی از بازوهای تحقق عدالت، همواره اصلی پذیرفته شده است، لیکن در راستای همکاری و مشارکت این نهاد با نهادهای قضایی دیگر، از جمله دادگاه‌ها، مسأله نظارت بر آن و ایجاد هم‌سویی با سایر نهادها، در جهت تحقق عدالت، قابل توجه است. در این راستا پژوهش حاضر، با استفاده از تجربه کشوری پیش‌رو در این زمینه، به بررسی چگونگی ارتباط دولت فدرال با کانون وکلای اتریش و نحوه تنظیم‌گری و دخالت آن در امور مربوط به این نهاد می‌پردازد و با استفاده از گزارش‌های فراهم شده توسط شورای وکلا و انجمن‌های حقوقی اروپا^۴ و کانون وکلای بین‌المللی^۵ و قوانین مختلف کشور اتریش، با روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر شیوه کیفی کتابخانه‌ای، نسبت موجود بین استقلال کانون وکلای اتریش و حدود مجاز دخالت و تنظیم‌گری دولت، در زمینه ساختار کانون وکلا، نحوه ورود به حرفه وکالت و مؤلفه‌های مربوط به تصدی حرفه وکالت را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت به معنای عام، در اشکال مختلف تقنینی، اجرایی و نظارتی، با اعمال نظارت و دخالت وزارت دادگستری و دیوان عالی کشور، بر بسیاری از عرصه‌های مذکور در فرایند تشکیل کانون، ورود وکلا به کانون و نظارت و اجرای مراحل بعدی فعالیت شامل نظارت بر امور مالی، آموزشی و انتظامی، جایگاه قابل توجه و مشخصی دارد که این موضوع می‌تواند مورد توجه نهادهای تنظیم‌گر در سیستم حقوقی ایران در خصوص استفاده از ظرفیت سیستم منسجم اطلاعات آماری و استفاده از قواعد و اصول شفافیت عملکرد مالی و غیرمالی این کانون‌ها برای ارتقاء بهره‌وری خدمات قضایی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: الگوهای دخالت دولت، کانون‌های وکلا، استقلال کانون وکلا، تنظیم‌گری، نظام حقوقی اتریش

۱. استادیار حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ a.bahadori.j@modares.a.c.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ roohallahhemmat73@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران؛ kadhodamoradi@isu.ac.ir
4. Council of Bars and Law Societies of Europe (IBA)
5. International Bar Association (CCBE)

درآمد

کانون‌های وکلا یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی هر کشور محسوب می‌شوند که در مقام احقاق حقوق اشخاص و هموار کردن مسیر اقامه دعوا در جهت دستیابی به عدالت و تحقق آن برمی‌آیند. یکی از موضوعات مهمی که در راستای تحقق اهداف مذکور توسط این کانون‌ها همواره محل تأمل و چالش بوده، استقلال یا عدم استقلال ساختاری و مآلاً کارکردی آن‌ها از تنظیم‌گری امور مربوط به آن‌ها توسط دولت و نهادهای حاکمیتی و تأثیر آن‌ها در کیفیت ارائه خدمات حقوقی است. توضیح بیشتر آن‌که، نهاد وکالت تأسیسی است که در مقام عینیت‌بخشی و تحقق حق بر داشتن وکیل به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه برمی‌آید. حق برخورداری از وکیل از آن رو اهمیت می‌یابد که با تمسک به آن کشف حقیقت تسهیل می‌شود، زمینه مناسب برای دفاع فرد از حقوق خویش و جلوگیری از اجحاف در حق وی به وجود می‌آید و در نهایت تضمینی برای پاسداشت تمام و کمال از حقوق خصوصی و عمومی آحاد جامعه فراهم می‌گردد^۱.

یکی از مؤلفه‌هایی که معمولاً در رابطه با امکان دفاع مؤثر از حقوق افراد مطرح می‌شود، موضوع استقلال کانون‌های وکلا از نهادهای حاکمیتی است. ریشه این دیدگاه به این موضوع برمی‌گردد که کانون‌های وکالت و وکلا خود را در برابر دستگاه قضاء قرار می‌دهند و بر همین اساس دادگاه‌های دادگستری را به عنوان تهدیدی علیه دفاع از حقوق موکل خود می‌پندارند و در نتیجه بر استقلال نهادی و ساختاری خود از محاکم قضایی تأکید می‌کنند، اما آنچه مهم‌تر از استقلال نهادی وکالت در مسیر احقاق حقوق و تحقق عدالت اهمیت دارد، استقلال شخصی وکیل است؛ امروزه به دلیل پیچیدگی امور اجتماعی، قوانین و مقررات اجتماعی نیز به تبع آن، پیچیده شده است که نتیجه عملی این امر، عدم آشنایی کافی شهروندان جامعه با مقررات و به تبع آن، عدم توانایی کافی آنان برای دفاع از خود در محاکم دادگستری است. مداخله وکیل برای دفاع از حقوق اصحاب دعوا نه تنها در راستای دفاع از حقوق فردی اصحاب دعوا تلقی می‌شود، بلکه گامی در راستای دفاع از منافع جامعه از طریق

۱. بنگرید به: دینانی، ۱۳۹۷: ۷۶.

فرایند دادرسی مبتنی بر نظم و انضباط است^۱ و بر این مبنا وکیل دادگستری باید بتواند در دفاع از موکل خود استقلال کامل داشته باشد و حقوق قانونی وی را تضمین کند. مهم‌تر از این مطلب نیز آن است که محاکم قضایی و کانون‌های وکلا هر دو به دنبال تحقق یک هدف مشترک مبنی بر تحقق عدالت و احقاق حقوق هستند و بر همین اساس کانون‌های وکلا می‌بایست خود را به عنوان عضوی از خانواده حقوقی در کنار محاکم قضایی قلمداد کنند. بر همین اساس و مبتنی بر این نگاه، دخالت بیرونی در تنظیم‌گری امور مربوط به کانون‌های وکلا، لزوماً تهدیدی در برابر استقلال حرفه وکالت قلمداد نمی‌گردد تا زمانی که این امر تأثیری بر توانایی وکلا در ایفای وظایف حرفه‌ای خود در راستای تحقق عدالت نداشته باشد.^۲

در همین راستا در تعدادی از کشورها موضوع مداخله دولت‌ها (دولت به معنای عام) در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا به رسمیت شناخته شده است. اتریش از جمله این کشورهاست که دولت در تنظیم‌گری کانون‌های وکلا نقش دارد که می‌توان این مسأله را در عرصه‌های مختلف تقنینی، اجرایی و نظارتی در مراحل مختلف تصدی و تداوم حرفه وکالت مشاهده کرد.

با عنایت به مقدمات مذکور، آنچه سؤال اصلی این پژوهش را رقم می‌زند، بررسی چگونگی ارتباط دولت با کانون وکلای اتریش و نحوه تنظیم‌گری و دخالت دولت در امور مربوط به این نهاد است. در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال، پژوهش حاضر با بهره‌گیری و مراجعه به گزارش‌های شورای کانون‌های وکلا و جوامع حقوقی اروپا و سازمان کانون وکلای بین‌المللی و قوانین مختلف کشور اتریش نظیر قانون وکلای اتریش ۱۸۹۶ با اصلاحات تا ۲۰۱۹^۳، قانون ارزشیابی وکلا مصوب ۱۹۸۵ و اصلاحات ۱۹۸۶ تا ۲۰۲۰^۴، قانون تعرفه وکالت مصوب ۱۹۶۹ و اصلاحات تا ۲۰۲۰^۵ و قانون انتظامی وکلا و کارآموزان وکالت ۱۹۹۰ و اصلاحات تا ۲۰۲۰^۶ در

۱. بنگرید به: رستمی غزانی، ۱۳۹۲: ۶۵

2. International Bar Association, The Independence of the Legal Profession Threats to the Bastion of a Free and Democratic Society, London, 2016.

3. the Austrian Lawyers' Code (Rechtsanwaltsordnung/RAO), RGBL. No. 96/1896.

4. Lawyer's Examination Act - RAPG), BGBl. No. 556/1985 as amended by BGBl. No. 612/1986 (DFB).

5. Lawyers' Tariff Act (RATG), BGBl. No. 189/1969.

6. Federal Act of June 28, 1990 on the disciplinary law of lawyers and trainee lawyers

مقام بررسی رابطه کانون وکلای این کشور با دولت بر آمده است. در این زمینه با مراجعه به منابع مختلف اعم از قوانین ذکر شده، مقالات و گزارش‌های دو نهاد یاد شده تحت عنوان بررسی تطبیقی کانون وکلا و جوامع حقوقی در کشورهای منتخب حوزه اتحادیه اروپا (آلبانی، اتریش، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، انگلستان و ولز، لیتوانی، هلند، صربستان و اسپانیا)، نظام قضایی اتریش، خلاصه اجرایی توضیح کانون وکلای اتریش، گزارش شورای کانون‌های وکلا و جوامع حقوقی اروپا در باب وضعیت موجود کانون وکلای کشورهای اروپایی (۲۰۱۶)، گزارش حرفه حقوقی در اتریش (۲۰۱۸)، گزارش استقلال و بی‌طرفی قضات، دادستان‌ها و وکلا، دستورالعمل تنظیم‌گران حرفه حقوقی و نظام قضایی اتریش (نهادهای، سازمان‌ها و خدمات) به بررسی سؤال اصلی این پژوهش پرداخته می‌شود.

انتخاب نظام حقوقی اتریش به عنوان نظام حقوقی حاکم بر مقررات تصدی به حرفه وکالت، به این منظور انجام گرفته است که این کشور دارای نظام مقرراتی منسجم در زمینه حرفه و تصدی وکالت و یکی از اعضای مهم اتحادیه اروپاست که هر دو سال، گزارش کامل سیستم اجراء حرفه‌های حقوقی ملی خود را به این اتحادیه می‌دهد؛ لذا شفافیت قوانین و مقررات و گزارش‌های عملکردی در این کشور، به عنوان نمونه علمی و عملی مفید، در نظام حقوقی ما در نحوه برخورد و تعامل با کانون‌های وکلا و نحوه ورود و دخالت دولت، مثمر ثمر خواهد بود. انتظار آن است که بتوان عرصه‌های ورود و تنظیم‌گری دولت در کانون وکلای اتریش را سه عرصه کلی تقنینی، اجرایی و نظارتی مشاهده کرد که البته مشخصاً به دلیل استقلال کانون‌های وکلا، این دخالت ناظر به مراحل اختلاف و در مقام تنظیم‌گری خواهد بود، نه دخالت جزئی و موردی در این کانون.

در راستای بررسی فرضیه فوق و در پاسخ به سؤال مطرح شده در این تحقیق، مطالب نوشتار پیش رو به سه مؤلفه کلی تقسیم می‌شود که ذیل هر یک از این مؤلفه‌ها زیر مؤلفه‌هایی تعبیه شده است تا بر مبنای آن‌ها بتوان کانون وکلای اتریش را از جوانب مختلف و با توجه به دخالت دولت در عرصه‌های مختلف این نهاد بررسی

کرد. مؤلفه اصلی نخست مربوط به ساختار کانون وکلا است که ذیل آن به مؤلفه‌هایی چون ساختار کانون و دخالت دولت در آن، گزارش‌دهی کانون وکلا به نهادهای دولتی، تجدید نظر از تصمیمات کانون و دخالت در تعیین ترکیب اعضای کانون پرداخته می‌شود. مؤلفه اصلی دوم ناظر به نحوه ورود به حرفه وکالت است که پیرامون آن، مؤلفه‌هایی چون مرجع برگزارکننده و ناظر آزمون، تعیین نمره قبولی، تعیین مبلغ پرداختی بابت آزمون و تجدید نظر از نتایج آزمون مطالعه می‌شود. مؤلفه اصلی سوم نیز مربوط به مؤلفه‌های تقنینی و نظارتی در حرفه وکالت است که مؤلفه‌هایی چون تعیین تعرفه‌های دستمزد وکالت، تعیین میزان و نحوه اخذ مالیات و حق الوکاله‌ها و هیأت‌های انتظامی و نظارت دولت بر آن‌ها و تعیین مجازات‌های مربوط را به خود اختصاص داده است که با توجه به نقش دولت در هر کدام، به بررسی جداگانه‌ای نیاز دارد. برحسب مقدمات مذکور، مطالعه پیش‌رو مبتنی بر روش توصیفی کاربردی و به شیوه کیفی کتابخانه‌ای صورت خواهد گرفت.

۱. مؤلفه‌های مربوط به ساختار کانون وکلا

طبق قوانین این کشور، در هر یک از استان‌های دولت فدرال اتریش، یک کانون وکلا وجود دارد که مطابق بند ۱ ماده ۳۵ قانون وکلا، همه این کانون‌ها تحت نظر کانون وکلای اتریش (کانون مرکزی) قرار دارند که وظیفه مدیریت و کنترل این نهادها را بر عهده دارد. کانون وکلای اتریش، نهادی در راستای ارائه خدمات عمومی است و اداره خود را در وین به ثبت رسانده است.

نهادهای تصمیم‌گیرنده در کانون‌های وکلای اتریش متشکل از نهاد عالی (مجمع عمومی)، رئیس، نهاد اجرایی (هیأت مدیره)، نهادهای کنترل‌کننده، نهادهای انتظامی، کمیته‌ها یا نهادهای مشورتی هستند. نهاد عالی کانون وکلا در نظام حقوقی اتریش، مجمع عمومی است. در این نظام حقوقی، رئیس کانون وکلا برای مدت سه سال انتخاب می‌شود. هیأت مدیره به عنوان نهاد اجرایی به ایفاء نقش می‌پردازد. بر اساس بند ۱ ماده ۲۵ قانون وکلا، رئیس، معاونان و سایر اعضای هیأت مدیره کانون از میان وکلا و هم‌چنین نمایندگان مجمع نمایندگان از میان وکلا، برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند.

نهادهای کنترل‌کننده معمولاً بر امور مالی کانون وکلا نظارت می‌کنند. در بعضی

کشورها این نهادها صلاحیت‌ها و اختیارات دیگری دارند. به عنوان مثال، مطابق با موضوع بحث، مجمع نمایندگان (مجمع عمومی) کانون وکلای اتریش، علاوه بر تأیید حساب‌ها و بودجه سالانه کانون، دستور العمل‌هایی صادر می‌کند و رئیس، معاونان و مأمور رسیدگی (حسابداری) کانون را انتخاب می‌کند. این نهاد پیشنهاداتی برای بهبود مدیریت عدالت و مدیریت عمومی ارائه می‌دهد و مقررات مربوط به رویه داخلی کانون وکلا را به تصویب می‌رساند.

نهادهای انتظامی کانون نیز، صلاحیت رسیدگی به شکایات، انجام تحقیقات و فرایندهای انتظامی در برابر اعضاء کانون را بر عهده دارد. در کشور اتریش که بیش از یک کانون وکلا دارد، هر کانون محلی یک نهاد انتظامی دارد که بر وکلایی که عضو کانون مربوطه هستند، اعمال نظارت انتظامی می‌کنند. البته گفتنی است که وزارت دادگستری از صلاحیت نظارت بر صحت و سقم انجام وظایف محول شده به شورای انتظامی و اجرای مناسب رویه‌های انتظامی برخوردار است. در کنار شوراهای انتظامی نیز دیوان عالی کشور صلاحیت رسیدگی تجدید نظر از تصمیمات شورای انتظامی را دارا است. کمیته‌ها یا نهادهای مشورتی برای تحقق این هدف تشکیل می‌شوند که تخصص خود را در خصوص یک زمینه یا مسأله خاص حقوقی ارائه دهند. در همین راستا، کانون وکلای اتریش نیز تعدادی از گروه‌های فعال نظیر گروه فعال در زمینه آموزش حرفه‌ای، گروه فعال در خصوص حقوق و آزادی‌های بنیادین و گروه فعال در خصوص حقوق کیفری تشکیل می‌دهد.

با توجه به مطالب گفته شده، در این قسمت به بررسی جزئی‌تر مؤلفه‌های مربوط به دخالت دولت در تنظیم‌گری ساختار و تشکیلات کانون وکلای اتریش خواهیم پرداخت.

۱-۱. نظارت دیوان عالی کشور بر انتخابات مجمع عمومی اعضاء کانون

وکلا

در نظام حقوقی اتریش، مجمع عمومی نهاد عالی کانون وکلا به شمار می‌آید. این مجمع معمولاً از همه اعضاء کانون تشکیل می‌شود. لذا حسب اصل استقلال کانون‌های وکلا، مطابق بند ۱ ماده ۲۴ «قانون وکلا»، اعضاء کانون، رئیس، معاون رئیس، وکلایی که به عنوان ارکان اجرایی بخش آزمون در کانون فعالیت می‌کنند و

مأموران رسیدگی (حسابداری) را انتخاب می‌کنند. وکلایی که در فهرست کانون وکلا ثبت شده‌اند، سایر اعضای هیأت مدیره را از میان وکلا انتخاب می‌کنند. کارآموزان وکالت که در فهرست کارآموزان وکالت ثبت شده‌اند، اعضای هیأت‌ها را از میان کارآموزان وکالت انتخاب می‌کنند و وکلایی که در فهرست وکلا ثبت شده‌اند نیز نماینده مجمع نمایندگان را از میان وکلای ثبت شده‌ای که اعضای هیأت مدیره هستند، انتخاب می‌کنند. طبق بند ۶ ماده ۲۴ این قانون، برای آرایه‌ای که توسط اعضای مشارکت‌کننده در هر کدام از انتخابات برای انتخاب مأمور رسیدگی (حسابداری) و عضو بخش آزمون‌های کانون داده می‌شود، نصاب رأی‌گیری اکثریت آراء مورد نیاز است.

مسئله از آن‌جایی آغاز می‌شود که بر اساس بند ۱ ماده ب ۲۴ قانون وکلا، بعد از آن که رئیس مجمع عمومی نتایج انتخابات را به صورت جداگانه اعلام کرد، هر شخص واجد شرایط رأی دادن می‌تواند نسبت به انتخابات صورت گرفته، ظرف مدت یک هفته از اعلام نتایج انتخابات اعتراض کند. شرط طرح اعتراض آن است که شخصی به صورت ناعادلانه از یک انتخابات استثناء شود (منع شود) یا برای یک انتخابات تعیین شود یا به عنوان فرد انتخاب شده معرفی شود.

مرجع صالح رسیدگی به اعتراض صورت گرفته نسبت به صحت انتخابات، دیوان عالی کشور است. بر اساس بند ۲ ماده ب ۲۴ قانون وکلا، دیوان عالی کشور باید در مورد اعتراض انجام شده به انتخابات تصمیم‌گیری نماید. در صورتی که بررسی‌ها بیان‌گر آن باشد که شخص دیگری باید انتخاب می‌شده است و شخص حاضر بدون دلیل خاصی چنین جایگاهی را به دست آورده‌است، باید به موجب اعتراض مذکور، انتخابات دوباره برگزار شود.

مبتنی بر مطالب ذکر شده و در مقام جمع‌بندی این قسمت باید بیان کرد که در زمینه تنظیم‌گری انتخابات در کانون وکلا، مداخله دولت، به معنای عام خود، در قالب نظارت بر صحت و سقم انتخابات مجمع عمومی اعضای کانون وکلا توسط دیوان عالی کشور به عنوان نهاد عالی قضایی کشور نمود پیدا می‌کند و بدین ترتیب، دیوان عالی کشور صلاحیت رسیدگی به صحت و سقم اعتراضات مربوط به انتخابات مجمع عمومی را دارا می‌باشد.

۲-۱. نظارت وزارت دادگستری بر عملکرد کانون‌های وکلا

بر اساس بند ۵ ماده ۲۳ قانون وکلا، کانون‌های وکلا باید به وظایفی که به آن‌ها محول شده است و در داخل قلمرو فعالیتی آن‌هاست، عمل کنند. مطابق بند ۱ ماده ۲۳ این قانون، قلمرو فعالیت‌های کانون باید منطقه/استانی از دولت فدرال را شامل شود که کانون برای آن تعیین شده است. هم‌چنین قلمرو فعالیت‌های کانون باید شامل وکلا و وکلای کارآموز باشد که به فهرست کانون وکلا وارد شده‌اند. لازم به ذکر است که کانون وکلا اعمال خود را بعضاً به صورت مستقیم در مجمعی با اتفاق اعضا و بعضاً و به صورت مستقیم از طریق هیأت مدیره خود مدیریت می‌کند. مطابق بند ۲ ماده ۲۳ قانون مذکور، بر اساس قلمرو فعالیتی کانون، کانون باید از منافع اقتصادی، اجتماعی و حرفه‌ای وکلا و کارآموزان وکالتی که با کانون مورد نظر همکاری می‌کنند، حفاظت کند، آن‌ها را افزایش دهد و نماینده آن‌ها باشد. هم‌چنین در این زمینه کانون مسئولیت حفاظت از اعتبار، آبرو و استقلال وکلا و هم‌چنین مسئولیت حفاظت از حقوق و نظارت بر وظایفی که اعضایش باید انجام دهند را بر عهده دارد.

روی دیگر سکه تکالیف کانون‌های وکلای فدرال به انجام وظایف قانونی، گزارش‌دهی نسبت به ایفای صلاحیت‌های قانونی خود به نهادهای دولتی است. در همین راستا وزارت دادگستری فدرال اتریش صلاحیت دارد که اطلاعات مربوط به انجام قانونی اعمال اداری و مدیریتی کانون‌ها را در اختیار داشته باشد. بر همین اساس و به موجب درخواست وزارت دادگستری، کانون وکلا باید اطلاعات درخواستی را در اختیار وزارت دادگستری قرار دهد. به عنوان بخشی از تعهدات و وظایف نظارتی وزارت دادگستری فدرال، این وزارتخانه صلاحیت دارد که با رویه‌های مقرر در کانون‌ها و هیأت کانون‌ها موافقت کند یا با آن‌ها مخالفت کند که البته اعلام رضایت یا عدم آن باید ظرف یک ماه بعد از پذیرش این رویه‌ها به کانون‌ها اعلام شود. چنانچه مقررات و مواد مربوطه مطابق قانون باشند، باید با آن‌ها موافقت شود و در صورتی که موافقت با این موارد تا سه‌ماه بعد مورد انکار واقع نشود، فرض بر آن است که موافقت صورت گرفته است.^۱ به علاوه وزارت دادگستری این اختیار را دارد که گزارشات مربوط به انتصابات صورت گرفته در کانون‌ها را درخواست کند. هم‌چنین، علاوه بر

۱. ماده ۲۷-۶ قانون وکلا.

صلاحیت نظارتی وزارت دادگستری بر عملکرد قانونی یا غیرقانونی کانون‌های وکلا و لزوم گزارش دهی کانون‌های وکلای محلی به وزارت دادگستری، لازم به ذکر است که طبق ماده ۵۵ «قانون وکلا»، هر ساله قبل از تاریخ ۳۱ مارس، در پایان سال، کانون وکلای اتریش (کانون مرکزی) نیز باید در مورد موارد ذیل به وزیر دادگستری فدرال گزارش دهد:

- ۱- توزیع پاداش مجموعی^۱ میان کانون‌ها با اشاره به تک تک میزان پاداش‌هایی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد؛
- ۲- مقدار مشخص استفاده از پاداش‌های مجموعی پرداختی، توسط کانون‌ها؛
- ۳- تعداد پرونده‌هایی که سال قبل در آن‌ها وکالت (نماینده‌گی) و دفاع صورت گرفته است (مطابق بند ۱ ماده ۴۷).

در رابطه با لزوم گزارش دهی سالانه کانون وکلای اتریش به وزارت دادگستری پیرامون توزیع پاداش باید بیان کرد که بر اساس بند ۱ ماده ۴۷ قانون وکلا، قبل از سی ام سپتامبر هر سال، مقامات دولت فدرال باید به کانون وکلای اتریش، پاداش معقولی را برای سال جاری پرداخت کنند. این پاداش به خاطر خدمات ارائه شده توسط وکلایی است که مطابق ماده ۴۵ به منظور ارائه خدمات مربوط به معاضدت قضایی منصوب شده‌اند. طبق بند ۵ ماده ۴۷ قانون مذکور برای خدماتی که مطابق با صدر بند ۴ ماده ۱۶ در خصوص معاضدت قضایی مقرر شده است، پاداش مجموعی معقولی باید به صورت جداگانه تعیین شود. برای پاداش مجموعی که وزارت دادگستری فدرال بر اساس دستورالعمل، باید به صورت جداگانه تعیین کند، وزیر می‌تواند به موجب درخواست کانون اتریش، به کانون اتریش پیش‌پرداخت معقولی بابت معاضدت قضایی بپردازد. این پیش‌پرداخت از صندوق‌هایی که همیشه برای این اهداف در قانون اجراء بودجه فدرال تعبیه شده‌اند، فراهم می‌شود. اگر پاداش مجموعی تعیین شده نهایی کمتر از پیش‌پرداخت‌ها باشد، کانون وکلای اتریش باید مقدار اضافه را به وزارت دادگستری فدرال برگرداند.

1. lump-sum remuneration

۲. مؤلفه‌های مربوط به نحوه ورود به حرفه وکالت

برای ورود به حرفه وکالت باید شرایطی وجود داشته باشد تا اجرا و مدیریت عدالت در جامعه به درستی صورت گیرد در این رابطه، بند ۲ ماده ۱ قانون وکلا در مقام تعیین شرایط شرکت در حرفه وکالت برآمده است که این موضوع، نمودی از دخالت دولت در تنظیم‌گری ورود به عرصه وکالت را محقق می‌سازد. مطابق ماده ذکر شده، ورود به عرصه وکالت منوط به داشتن این شرایط دانسته شده است: تابعیت اتریشی، اهلیت قانونی، گذراندن دوره کامل مطالعات حقوقی در حقوق اتریش، آموزش عملی طبقه‌بندی‌ها و اصطلاحاتی که در قانون و حقوق به آن‌ها تصریح شده است، سپری کردن موفقیت‌آمیز آزمون کانون، حضور حداکثر چهل و دو نیم‌روز در فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای که در «دستورالعمل‌های آموزش وکلای کارآموز» به آن اشاره کرده است و بهره‌مندی از بیمه خسارت حرفه‌ای مطابق ماده الف ۲۱؛

با این مقدمه، در ادامه دخالت دولت در ورود به حرفه وکالت، از طرق مختلفی چون تعیین شرایط شرکت در آزمون وکالت، ارزیابی شرایط پذیرش در آزمون وکالت، نظارت بر برگزاری آزمون وکالت، تعیین میزان هزینه‌های آزمون وکالت، نظارت دادگاه اداری فدرال بر نتایج آزمون وکالت و نظارت دیوان عالی کشور بر تصمیمات هیأت مدیره کانون وکلا به منصفه ظهور رسیده است که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۱. نقش دولت در تعیین شرایط شرکت در آزمون وکالت

یکی از نمودهای مداخله دولت در تنظیم‌گیری نحوه ورود به حرفه وکالت، تعیین شرایط شرکت در آزمون وکالت است. مطابق ماده ۱ قانون آزمون وکالت (ارزشیابی وکلا)، هدف از برگزاری آزمون آن است که افرادی با مهارت‌ها و اطلاعات ضروری برای اشتغال به حرفه وکالت جذب شوند و در همین راستا مهارت و زبردستی وکیل در اشتغال و پرداختن به موضوعات عمومی و خصوصی که به او واگذار شده است، احراز شود. به علاوه آن‌که لازم است صلاحیت آماده کردن اسناد و نظرات حقوقی و هم‌چنین نمایندگی و وکالت کتبی و شفاهی ماهرانه او که برای اثبات موضع حقوقی و واقعی به کار می‌رود، احراز شود. در همین راستا همان‌طور که بیان شد، یکی از شرایطی که برای تصدی حرفه وکالت تحقق آن ضروری است،

شرط گذراندن موفقیت‌آمیز آزمون کانون وکلا موضوع بند ۱ ماده ۲ «قانون وکلا» است. شرکت در آزمون وکلا طبق ماده ۲ قانون آزمون وکالت، مستلزم تحقق پیش شرط‌هایی است که عبارت است از: دریافت مدرک در زمینه حقوق اتریش و اشتغال عملی به مدت سه سال که حداقل هفت ماه آن کار با دادگاه یا دادستان و حداقل دو سال آن مستلزم گذراندن کارآموزی عملی با وکیل است. هم‌چنین پیش شرط دیگر گرفتن آزمون، مشارکت در کلاس‌های آموزشی است که کارآموزان وکالت ملزم به حضور در آن هستند.

۲-۲. نقش دولت در ارزیابی شرایط پذیرش در آزمون وکالت

علاوه بر پیش شرط‌های ذکر شده در بند قبل، طبق بند ۱ ماده ۶ قانون آزمون وکالت، پذیرش در آزمون وکالت منوط به درخواست داوطلب برای شرکت در ارزشیابی توسط کمیسیون ارزشیابی آزمون وکالت هیأت تصمیم‌گیرنده^۱ است که با موافقت کانون وکلایی که کاندیدای مربوطه را وارد فهرست خود می‌کند یا کرده است، در این خصوص تصمیم‌گیری می‌شود (ماده ۷)

طبق ماده ۲۷ این قانون، به محض درخواست متقاضی، دادگاه‌ها و سایر مقامات، باید پرونده‌های مربوطه را، به کمیسیون‌های ارزشیابی وکلا، برای انجام وظایف ارزشیابی تسلیم کنند. ارزیابی انجام گرفته باید توسط کمیسیون‌های ارزشیابی حقوقی^۲ در دادگاه منطقه‌ای عالی‌تر دیگری مورد موافقت قرار گیرد. طبق ماده ۱۱ این قانون، کمیسیون‌های ارزشیابی متشکل از چهار عضو است. دو عضو از گروه مسؤولان ارزشیابی، دارای سمت قضایی و دو عضو از گروه وکلا، این هیأت را تشکیل می‌دهند. ریاست این کمیسیون برعهده رئیس یا معاون اوست.

بنابر مطالب مذکور می‌توان تعیین شرایط شرکت در آزمون کانون از سوی دولت را به عنوان مصداقی از تنظیم‌گری تلقی نمود.

۲-۳. نقش دولت در تعیین میزان هزینه‌های آزمون وکالت

علاوه بر دخالت دولت در زمینه بررسی و ارزیابی شرایط متقاضیان حقوقی حرفه وکالت، نمود دیگر دخالت دولت در تعیین میزان هزینه‌های آزمون وکالت

1. Senate

2. legal examination board

توسط دستورالعمل وزیر دادگستری فدرال و با موافقت وزیر مالی دولت فدرال، بروز و ظهور می‌یابد. توضیح آن‌که، طبق بند ۲ ماده ۲۸ قانون آزمون وکلا، متقاضیان آزمون باید هزینه‌های آزمون (هزینه‌های مدیریت قضایی) را بپردازند. طبق بند ۳ ماده ۲۸ این قانون، مقدار دستمزد و اجرت و هزینه‌های آزمون باید توسط دستورالعمل وزیر دادگستری فدرال و با موافقت وزیر مالی دولت فدرال تعیین شود. در هنگام تعیین مقدار دستمزد اعضای کمیسیون‌های ارزشیابی، ناظران و تایپست‌ها، نوع و گستره کاری آنان، تعیین هزینه‌های آزمون، اقداماتی که در ارتباط با آماده کردن و انجام ارزشیابی صورت گرفته است و مخصوصاً مقدار دستمزدهای مربوطه باید با دقت لازم صورت گیرد؛ لذا دولت تعیین می‌کند که نرخ پرداختی متقاضیان برای آزمون و ارزشیابی صورت گرفته باید به چه مقدار باشد. البته این‌جا مبلغ دریافتی از باب مدیریت قضایی به صندوق قوه قضاییه واریز می‌شود و دولت از باب انجام مراحل ارزیابی برای کانون و تعدیل مخارج خود، اقدام به دریافت مبلغ می‌کند.

۴-۲. نقش دولت در نظارت بر برگزاری آزمون وکالت

پس از تحقق شرایط شرکت و پذیرش در آزمون وکالت، تجلی دیگر مداخله دولت در تنظیم‌گری ورود به حرفه وکالت، در نظارت بر برگزاری آزمون وکالت ظهور و بروز می‌یابد. دولت به عنوان نهاد ناظر بر اجرای درست و صحیح آزمون ورود پیدا می‌کند و از نمایندگان خود در این عرصه بهره می‌برد. در این زمینه باید بیان کرد که بر اساس ماده ۳ «قانون آزمون وکالت»، آزمون وکالت باید نزد کمیسیون ارزشیابی آزمون وکالت و در نزد مجمع ارزیابان برای اشتغال به حرفه وکالت برگزار شود. کمیته‌های ارزیابی حقوقی در دادگاه‌های عالی (تجدید نظر) منطقه‌ای مربوطه حضور دارند. این کمیته‌ها شامل رئیس دادگاه عالی منطقه‌ای به عنوان رئیس، معاون دادگاه عالی منطقه‌ای به عنوان معاون او و سایر اعضا به عنوان مسؤولان ارزشیابی مشتمل بر تعدادی از افرادی صاحب کفایت برای انجام امور قضایی هستند که این اعضا با موافقت کانون وکلاء مربوطه و اشخاص فعال و همان تعداد از وکلا تعیین می‌شوند. لازم به ذکر است که مسؤولان ارزشیابی از جمع وکلا توسط مجمع وکلاء مربوطه و مطابق نسبت تعداد اعضا برای چهارسال انتخاب می‌شوند. هم‌چنین تعدادی از اعضا مسؤولان ارزشیابی از میان اشخاصی که برای فعالیت به عنوان

قاضی با کفایت دانسته شده‌اند، توسط رئیس دادگاه عالی منطقه‌ای و با موافقت کانون وکلاء مربوطه برای مدت زمان مشابه منصوب می‌شوند.^۱ بنا بر مطالب مذکور باید گفت که دو عضو این کمیته به طور مستقیم توسط دولت انتخاب می‌شوند که نمودی از تنظیم‌گری دولت را نمایان می‌سازند. به علاوه آن‌که، تمدید عضویت عضوی دیگر از کمیته، با مشارکت دولت و کانون وکلا صورت می‌گیرد که دولت به عنوان نقش مکمل در کنار کانون حضور پیدا می‌کند و بدین ترتیب الگوی تنظیم‌گری مشارکتی را محقق می‌سازد.

۲-۵. نظارت دادگاه اداری فدرال بر نتایج آزمون کانون

بعد از برگزاری آزمون، در مواردی احتمال دارد که به دلیل عدم کسب نمره قبولی در آزمون، بعضی از متقاضیان موفق به پذیرش در فهرست کانون نشوند. در این میان عده‌ای هستند که نسبت به عدم پذیرش خود اعتراض دارند. قانون در این مورد راهکاری را برای اعلام اعتراض آن‌ها بیان کرده است. لذا طبق ماده ۸ قانون مذکور، چنانچه متقاضی آزمون در کانون مورد پذیرش واقع نشود، این حق را دارد که نزد دادگاه اداری فدرال اعتراض کند.

۲-۶. نظارت دیوان عالی کشور بر تصمیمات هیأت مدیره کانون

علاوه بر برخورداری از شرایط فوق‌الذکر، بر اساس بند ۱ ماده ۵ قانون وکلا، شخصی که می‌خواهد در حرفه وکالت مشغول به کار شود، باید در فهرست وکلا نیز پذیرفته شود. گفتنی است که پذیرش او منوط به ارائه مدارکی است که نشان می‌دهد وی تمام شرایط موضوعه مدنظر هیأت مدیره کانون که بر محل اجرای حقوق، با توجه به آدرس خود، صلاحیت دارد را محقق ساخته است.^۲

مطابق بند ۲ ماده ۵ این قانون، در صورتی که متقاضی عملی را مرتکب شده است که او را غیرقابل اعتماد می‌کند، باید از پذیرش او در فهرست وکلا ممانعت شود. هیأت مدیره کانون باید اعمال لازم را در این زمینه انجام دهد و اگر قرار است درخواست او رد شود، باید قبل از انجام این کار با متقاضی مصاحبه‌ای صورت دهد. گفتنی است که اگر هیأت مدیره کانون از پذیرش او در فهرست وکلا ممانعت به عمل

۱. ماده ۴ قانون آزمون وکالت.

۲. ماده ۵-۱ قانون وکلا

آورد (مطابق ماده ۵)، متقاضی از این حق برخوردار است که از این تصمیم هیأت کانون در دیوان عالی تجدید نظر کند. (بخش سوم قانون انتظامی مربوط به وکلا و کارآموزان وکالت). مهلت تجدید نظر ممکن است به مدت چهار هفته باشد^۱.

۳. مؤلفه‌های مربوط به تصدی حرفه وکالت

در این قسمت به بررسی مؤلفه‌های مربوط به دخالت دولت در تنظیم‌گری امور مربوط به تصدی حرفه وکالت در کانون وکلای اتریش می‌پردازیم.

۱-۳. تعیین تعرفه‌های دستمزد توسط وزیر دادگستری

بعد از تصدی حرفه وکالت در مواردی دولت به عنوان نهاد تنظیم‌گر و از باب اهمیت نحوه گردش سرمایه در کشور، در مسائل مالی و اقتصادی کانون ورود می‌کند. یکی از این موارد، تعیین تعرفه‌های دستمزد توسط وزارت دادگستری است. در توضیح این نوع از مداخله دولت باید بیان کرد که وکلا معمولاً آزادند که در مورد دستمزد از طریق توافق با موکلان خود مذاکره کنند. بیشتر کشورها قواعد اصولی در خصوص مبنای دستمزد دارند و شروطی را در نظر گرفته‌اند که دستمزدها باید متناسب و متعارف با ارزش و پیچیدگی پرونده باشد. تعیین دستمزد بر مبنای نرخ‌های ساعتی معمول‌ترین مبنای اعمال است، اگر چه طرفین می‌توانند در مورد مقدار ثابتی از دستمزد یا پاداش از طریق مدت زمان استماع (مدت زمان رسیدگی به پرونده در دادگاه)، براساس پرونده یا سایر موافقت‌نامه‌ها به توافق برسند.

مبنی بر مقدمه مذکور باید گفت که در نظام حقوقی اتریش در صورتی که توافقی بین وکیل و موکل وجود نداشته باشد، طرفین می‌توانند به تعرفه‌ها و شاخص‌های دستمزد که توسط قانون مشخص می‌شود، مراجعه کنند؛ بنابراین دستمزد وکلا یا از طریق توافق آزاد طرفین و یا از طریق قانون مشخص می‌شود. دستمزدها ممکن است در قالب نرخ‌های ساعتی، توافقی‌هایی که حق الوکاله یک‌جا پرداخته شود یا در قالب سرمایه‌ها یا مطابق جداول دستمزد مندرج در قانون تعرفه وکلا تعیین گردد.

۱. ماده ۵ الف-۱ قانون وکلا

۲. البته در صورتی که وکیل و موکل بر هیچ مقدار دستمزدی توافق نکرده باشند و قانون تعرفه وکلا نیز اعمال نشود (به‌عنوان مثال در خصوص وکالت در دعوای کیفری)، معیارهای غیر الزام‌آوری برای نرخ‌های دستمزد وجود دارد تا به قضات و نهادهای انتظامی ارائه شوند تا تعیین کنند که چه میزان دستمزد عادلانه و معقول است.

لازم به ذکر است که در نظام حقوقی اتریش، مطابق ماده ۲۷ قانون تعرفه وکالت، وزیر دادگستری فدرال مسؤولیت اجرای این قانون را بر عهده دارد و از همین رو صلاحیت صدور تعرفه‌های دستمزد نیز در قالب قوانین، عموماً بر عهده وزارت دادگستری است. میزان مبلغ دستمزد، مبتنی بر نرخ تعرفه مشخصی است که براساس ارزیابی^۱ کار صورت گرفته در دعوی حقوقی، بر مبنای ارزش موضوع مورد نزاع تعیین می‌شود. میزان آن، در مورد اجرای حکم با اطمینان نسبت به اجرای حکم مطابق با ارزش ادعا، در دعوی اعسار برای طلبکار، مطابق مقدار مبلغ خواسته ثبت شده، نظیر هزینه‌های مربوطه محاسبه شده که در مسیر پرونده اتفاق افتاده است و در پرونده‌های غیر ترافعی مطابق ارزش موضوع دعوا تعیین می‌شود^۲. هرچقدر که مبنای ارزیابی بالاتر باشد، دستمزد نیز بیشتر خواهد بود.

۲-۳. تنظیم‌گری وکلا با ابزار مالیاتی

علاوه بر تعیین تعرفه‌های دستمزد و ارائه دستمزد بابت معاضدت قضایی، یکی از ابزارهای دیگر دولت در زمینه تنظیم‌گری به طور عام و تنظیم‌گری مالی در کانون وکلا، تعیین نرخ مالیات بر درآمد وکلاست. در رابطه با مالیات وکلا نیز باید گفت که در بیشتر کشورها مالیات بر ارزش افزوده^۳ به هزینه‌های یک وکیل افزوده می‌شود. البته گفتنی است که در کشورهایی نظیر اتریش که شاخص‌های دستمزد در قانون مشخص شده‌اند، این شاخص‌ها معمولاً شامل مالیات بر ارزش افزوده نمی‌شود. نرخ مالیات بر ارزش افزوده در اتریش بیست درصد است^۴.

۳-۳. نظارت بر تخلفات انتظامی وکلا

۱-۳-۳. نظارت شورای انتظامی

یکی دیگر از مواردی که دولت پس از تصدی به حرفه وکالت به نظارت مستمر خود ادامه می‌دهد، توجه به تخلفات صورت گرفته توسط وکلاست. پرداختن به این بحث از این باب که دولت در این زمینه مطابق قانون، ضمانت اجرایی را

۱. لازم به ذکر است که ماده ۱۰ قانون تعرفه وکالت، مواردی نظیر دعوای مختلف حقوقی و کیفری که باید ارزشیابی شوند را اعلام کرده و تعرفه هر کدام را به صورت جزئی مشخص می‌کند.

۲. ماده ۳ قانون تعرفه وکالت

3. Value Added Tax (VAT)

۴. جمعی از نویسندگان بانک جهانی، گزارش بررسی مقایسه‌ای کانون‌های وکلا و جوامع حقوقی در قلمرو صلاحیتی کشورهای اروپایی انتخاب شده: ۲۷.

مقرر داشته است، اهمیت فراوانی دارد. ذکر همه این مجازات‌ها در این مقال ممکن نیست، ولی باید توجه داشت که در نظر گرفتن و اعمال مجازات برای یک نهاد مستقل و خودمختار توسط دولت، نقطه اوج مداخله دولت در آن نهاد است. مطابق دستورالعمل تنظیم‌گری حرفه حقوقی^۱ تشکیلات انتظامی مرتبط با کانون وکلای اتریش، از دو نهاد تشکیل می‌شود. نهاد درجه اول، شورای انتظامی کانون محلی و نهادهای درجه دوم دیوان عالی کشور و وزارت دادگستری هستند.

توضیح آن‌که مطابق ماده ۱ قانون انتظامی مربوط به وکلا و کارآموزان وکالت، وکیلی که عامداً و عالماً وظایف مربوط به حرفه خود را نقض کند یا هر کسی در خارج و داخل حرفه خود، بر آبرو و اعتبار این طبقه تأثیر منفی بگذارد، مرتکب تخلف انتظامی شده است. طبق بند ۲ ماده ۱ این قانون، به تخلفات انتظامی وکلا توسط شورای انتظامی رسیدگی می‌شود. شورای انتظامی در مقرر هر کدام از کانون‌های وکلا تأسیس می‌شود. البته گفتنی است که رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا توسط شورای انتظامی، نافی نظارت کانون وکلا نیست و در سایر موارد غیر از موارد مذکور، مسؤولیت نظارت حرفه‌ای بر عهده مجمع عمومی کانون وکلاست (ماده ۲۰ قانون وکلا).

فرایند شروع شکایت بدین صورت است که هر کسی می‌تواند از هر وکیلی شکایت کند. محدوده زمانی تقدیم شکایت پنج سال بعد از وقوع تخلف انتظامی است. شکایت‌ها باید به شورای انتظامی کانون محل مربوطه ارسال شود. فرایند شکایت طبق اصل تعقیب قضایی مشخص می‌شود. شورای انتظامی به محض آن‌که از جرم یا تخلف انتظامی مربوطه اطلاع پیدا کند، روند مربوط را شروع می‌کند. استماع حضوری (نه به صورت علنی) لازم است. متهم می‌تواند همراه با یک وکیل حاضر شود. حکم باید به وکیل مربوط، به شورای انتظامی مربوطه، به شخصی که توسط وکیل متهم شده از او سوء استفاده شده است، به دادستان ارشد و به هیأت مدیره کانون ابلاغ و اطلاع‌رسانی شود.

1. Directory of Regulators of the Legal Profession, p 31.

۳-۳-۲. نظارت موردی وزیر دادگستری بر عملکرد شوراهای انتظامی

علاوه بر موارد فوق در خصوص حدود نظارت شورای انتظامی، دولت نیز با عنوانی مستقل بر عملکرد خود شوراهای انتظامی نظارت می‌کند. به موجب بند ۱ ماده ۷۸ این قانون، وظایفی که به صورت قانونی به شورای انتظامی محول می‌شود، باید توسط شورا و در حدود صلاحیت خود انجام شود. در همین راستا حق نظارت وزیر دادگستری فدرال مشتمل بر مراقبت از انجام این اعمال به صورت قانونی و اجراء مناسب رویه‌های انتظامی است. به موجب این هدف، وزیر دادگستری فدرال از این صلاحیت برخوردار است که در هر زمانی، در مورد مدیریت شورای انتظامی و وضعیت رویه‌های تعلیقی انتظامی مطلع شود و درخواست برخورد با هر گونه سوء مدیریت را نماید. علاوه بر این، در چارچوب این نظارت، وزیر دادگستری فدرال واجد این صلاحیت است که مطابق ماده ۶ قانون انتظامی مربوط به وکلا و کارآموزان وکالت، با موافقت دوجانبه اتاق‌های وکلای دادگاه عالی منطقه‌ای مشابه و حتی بدون این موافقت، به موجب دستورالعمل، یک شورای انتظامی الحاقی را در جایگاه یکی از این اتاق‌ها تأسیس کند.

۳-۳-۳. نظارت دیوان عالی بر تصمیمات شوراهای انتظامی

علاوه بر صلاحیت نظارتی وزارت دادگستری بر عملکرد شوراهای انتظامی، دیوان عالی کشور نیز صلاحیت نظارت بر تصمیمات شوراهای انتظامی از حیث رسیدگی به اعتراضات نسبت به تصمیمات این هیأت‌ها را بر عهده دارد و بدین ترتیب نقش پررنگ‌تری از دخالت دولت در این زمینه را به نمایش می‌گذارد. طبق ماده ۴۶ این قانون، تصمیمات شوراهای انتظامی ممکن است به موجب تجدید نظر، مورد اعتراض در دیوان عالی کشور قرار گیرد. در همین راستا دیوان عالی کشور نیز صلاحیت بررسی تجدید نظرهای صورت گرفته را بر عهده دارد. در مورد موضوعات انتظامی، دیوان عالی در قالب هیأتی چهارنفره تشکیل می‌شود. این هیأت از دو وکیل کانون و دو قاضی دیوان عالی کشور تشکیل می‌شود. شایان ذکر است که طبق بند ۳ ماده ۷۸ قانون انتظامی مربوط به وکلا و کارآموزان وکالت، در پایان سال کمیته کانون وکلا باید فهرستی از اطلاعات دریافتی و اقدامات انتظامی که کامل شده‌اند یا هنوز ناقص و معلق هستند را به وزیر دادگستری فدرال تسلیم کند. فرایندها و اقداماتی که

مقرره‌های مرتبط به مبارزه با پول‌شویی یا تأمین مالی تروریسم را نقض می‌کند، باید به صورت جداگانه شناسایی و تعیین شوند.

مطابق بند ۱ ماده ۷ قانون فدرال آزادی فعالیت خدمات و تأسیس (کانون) وکلای اروپایی و ارائه خدمات حقوقی توسط وکلای بین‌المللی در اتریش (EIRAG)، وکلای اتریشی که به ارائه خدمات می‌پردازند، مورد نظارت مجمع عمومی کانون، موضوع ماده ۲۳ قانون وکلا و برخورد انتظامی توسط شورای انتظامی و دیوان عالی کشور مطابق با قوانین انتظامی برای وکلا و کارآموزان وکالت قرار می‌گیرند. به طور کلی، در نظام حقوقی اتریش، تجدید نظر از دعوای انتظامی علیه وکلا ممکن است به نهاد صالح تجدید نظر که معمولاً هیأت تجدید نظر کانون یا دادگاه صالح تجدید نظر است اعلام شود. البته تجدید نظر در خصوص مسائل مدنی به دیوان عالی فدرال اعلام و تقدیم می‌شود.^۱

۴-۳. تعیین ضمانت اجرای انتظامی وکلا

به موجب بند ۱ ماده ۱۶ قانون انتظامی مربوط به وکلا و کارآموزان وکالت، ضمانت اجرای انتظامی عبارت‌اند از:

نخست، توبیخ کتبی؛

دوم، مجازات نقدی تا چهل و پنج هزار یورو در صورتی که تخلف جدی باشد یا مصداق تکرار تخلف باشد یا نقض سیستمی مقرراتی از قانون وکلا باشد. در خصوص مبارزه با پول‌شویی (ماده ۱۶۵ قانون مجازات) یا تأمین مالی تروریست (ماده ۲۷۸د قانون مجازات)، جریمه‌ای بالاتر از یک میلیون یورو اعمال می‌شود. جزای نقدی ممکن است همراه با ممنوعیت از اشتغال به حرفه وکالت به وکیل تحمیل شود؛ سوم، ممنوعیت از اشتغال به کار حقوقی تا یک سال، در خصوص کارآموزان وکالت؛

چهارم، محرومیت از حق اشتغال به عنوان وکیل.

بعد از این‌که وکیل متخلف از فهرست وکلا خارج شد، می‌تواند سه سال بعد برای پذیرش دوباره در فهرست مربوطه درخواست دهد. اگر وکیل به صورت مخفیانه

۱. جمعی از نویسندگان بانک جهانی، گزارش بررسی مقایسه‌ای کانون‌های وکلا و جوامع حقوقی در قلمرو صلاحیتی کشورهای اروپایی انتخاب شده: ۳۷.

مورد پذیرش در فهرست قرار گیرد یا بعد از این که از اشتغال به حرفه وکالت ممنوع شد به کار خود ادامه دهد، به صورت خودکار از فهرست وکلا بیرون انداخته می‌شود؛ پنجم، مجازات‌های موقت: وکیل ممکن است تحت نظارت قرار بگیرد؛ ممکن است دیگر حق حضور نزد بعضی از دادگاه‌ها یا مقامات مشخص را نداشته باشد؛ ششم، ممنوعیت موقتی از کارآموز گرفتن برای آموزش‌های حرفه‌ای؛ در این صورت ممکن است وکیل به صورت موقت از اشتغال به حرفه وکالت ممنوع شود.

در توضیح سه بند فوق، باید ذکر نمود که به موجب ماده ۶۹ این قانون، چنانچه تصمیمی مبنی بر حذف وکیل از فهرست وکلا یا ممنوعیت او از اشتغال به حرفه حقوقی گرفته شود، کمیته تصمیم‌گیرنده در خصوص آن وکیل، باید توسط وکیل مدافع فوراً انتخاب شود. همچنین بر اساس بند ۱ ماده ۷۰ این قانون، این کمیته می‌بایست وزارت دادگستری فدرال و رئیس دیوان عالی، دادگاه قانون اساسی، دادگاه اداری و دادگاه‌های عالی منطقه‌ای را نسبت به مجازات انتظامی در خصوص وکلا و انتصاب وکیل موقت مطلع کند. مطابق بند ۱ این ماده، در مواردی که وکیل از حق وکالت در برابر همه دادگاه‌ها یا دادگاه‌های خاص، دفاتر دادستان یا مقامات اداری محروم می‌شود، در این صورت باید به اطلاع دادگاه‌های مربوطه، دفاتر دادستان و مقامات اداری برسد. به موجب بند ۳ این ماده، در صورتی که رأی نهایی مبنی بر نقض قانون مربوط به مبارزه با پول‌شویی (ماده ۱۶۵ قانون مجازات) یا تأمین مالی تروریسم (ماده ۲۷۸) قانون مجازات باشد، کمیته مذکور باید ماهیت نقض، هویت وکیل و مجازات انتظامی مقرر شده را فوراً منتشر نماید و در سایت کانون وکلا در اختیار عموم قرار دهد. لازم به ذکر است که انتشار این موارد باید در یک دوره حداقل پنج‌ساله باشد.

هفتم، تعلیق و لغو پروانه وکالت: از جمله ضمانت‌اجراه‌های تخلف وکلا، تعلیق و لغو پروانه وکالت آن‌هاست. بر اساس بند ۱ ماده ۳۴ قانون وکلا، حق اشتغال به حرفه وکالت با تحقق موارد ذیل منقضی می‌شود: از طریق سلب تابعیت اتریشی، از طریق انتصاب به عنوان قیم قانونی^۱، از طریق ابطال حق اشتغال به حرفه وکالت، از

1. Upon the legally effective appointment of a guardian.

طریق حذف از فهرست وکلا براساس حکم انتظامی، از طریق فوت. هم‌چنین مطابق بند ۲ ماده ۳۴ قانون مذکور، حق اشتغال به حرفه وکالت به موجبات ذیل به حالت تعلیق در می‌آید:

نخست، اشتغال به حرفه‌ای معارض با حرفه وکالت شامل: حفظ مقام یا اداره دولتی که به موجب آن حقوق دریافت می‌دارد، غیر از مقام معلمی؛ اشتغال به حرفه سردفترداری رسمی؛ مشغولیت در هرگونه فعالیت‌های مشابه به گونه‌ای که معارض با اعتبار حرفه وکالت باشد.

دوم، از طریق ممنوعیت از اشتغال به حرفه وکالت که در فرایند رویه‌های انتظامی اعلام شده است یا ممانعت از اشتغال، به موجب این‌که پرداخت مخارج بیمه خسارت حرفه‌ای مقرر در بند ۲ ماده الف ۲۱ را ادامه نداده است.

سوم، در صورتی‌که فرایندی برای نصب قیم برای وکیل شروع شود و اگر این فرایندها براساس نتایج اولین بررسی‌ها ادامه داشته باشد، هیأت مدیره وکیل را از اشتغال به حرفه وکالت منع می‌کند؛ به این دلیل که نگرانی‌هایی به خاطر تبعیض‌های بسیار در مورد منافع شخصی که به دنبال معاضدت قضایی است وجود دارد یا ممکن است موجب بی‌اعتباری حرفه وکالت شود. این تعلیق تا پایان فرایند نصب قیم تأثیر حقوقی دارد. گفتنی است که طبق بند ۳ ماده ۳۴ این قانون، وکیل حق دارد که در برابر تصمیمات مربوط به لغو و تعلیق پروانه وکالت، طبق بخش ۷ قانون اقدامات انتظامی برای وکلا و کارآموزان وکالت، به دیوان عالی کشور اعتراض کند. این اعتراض در صورتی مجری خواهد بود که تصمیمات صورت گرفته بر اساس یک تصمیم انتظامی صادر نشده باشد یا در مسیر فرایندهای انتظامی گرفته نشده باشد.

برآمد

۱- از بررسی مؤلفه‌های سه‌گانه مطرح شده مشخص شد که کانون وکلا با وجود برخورداری از نقشی مستقل از دخالت دولت و قوای عمومی به دور نیست و در مواردی نیز دولت به عنوان قوه حاکمه در قالب‌های مختلف در تنظیم‌گری امور مربوط به این کانون‌ها مداخله‌هایی دارد. با بررسی مؤلفه‌های مربوط به خود نهاد وکالت و زیر مؤلفه‌های آن این مطلب به دست آمد که کانون‌های وکلای اتریش در رابطه با ایفای صلاحیت‌های قانونی خود به وزارت دادگستری گزارش می‌دهند که در قالب گزارش‌های سالانه صورت می‌گیرد. حتی در مقام اعطای مبلغی بابت پاداش و دستمزد وزارت دادگستری نقش دارد. در مواقعی که انتخابات درون کانون برای انتخاب مجمع عمومی کانون صورت می‌گیرد و نسبت به صحت آن شکایت یا اعتراضی وجود دارد نیز دیوان عالی حق رسیدگی به مسأله را خواهد داشت.

۲- در مؤلفه‌های مربوط به نحوه ورود به حرفه وکالت نیز به دست آمد که آزمون کانون، نزد کمیسیون آزمون و ارزشیابی کانون برگزار می‌شود. هزینه‌های آزمون مطابق دستورالعمل وزیر دادگستری و با موافقت وزیر مالی اتریش تعیین می‌شود. چنانچه فرد متقاضی در آزمون کانون پذیرفته نشود، می‌تواند به دادگاه اداری فدرال اعتراض کند. به طور کلی اگر فردی به موجب تصمیم مجمع عمومی کانون در فهرست وکلا پذیرفته نشود، حق اعتراض به دیوان عالی کشور اتریش را خواهد داشت.

۳- در مؤلفه‌های مربوط به تصدی حرفه وکالت نیز بیان شد که تعرفه‌های مربوط به دستمزد وکلا توسط وزارت دادگستری تعیین می‌شود. چنانچه وکیلی خدمت معاضدت قضایی ارائه داده باشد، وزارت دادگستری وظیفه پرداخت دستمزد او را خواهد داشت. به علاوه از باب مسؤولیت‌های انتظامی و نظارتی گفته شد که وزارت دادگستری حق نظارت بر کانون‌های وکلا و شوراهای انتظامی درون آن‌ها را دارد تا از صحت انجام وظایف قانونی توسط آنان اطمینان حاصل کند. اگر فردی نسبت به تصمیمات این شوراها اعتراضی داشته باشد، می‌تواند از این تصمیمات نزد دیوان عالی کشور تجدید نظرخواهی کند. در مجموع همان‌طور که گفته شد، عموماً عرصه دخالت دولت به عنوان قوه حاکمه در کانون‌های وکلا در قالب وظایف قضایی

توسط دیوان عالی کشور و اجرایی توسط وزارت دادگستری صورت می‌گیرد و به گونه‌ای نیست که دخالت دولت موجب خلل در استقلال کانون باشد.

۴- یکی از پیشنهاداتی که مطابق با پژوهش فوق می‌تواند مورد نظر قوه حاکمه در بحث نظارت و افزایش بهره‌وری کانون‌های وکلا در ایران قرار گیرد، استفاده از سیستم منسجم ارائه آمارهای دقیق، مشخص و قابل ارزیابی توسط این کانون‌ها به قوای سه‌گانه است که علاوه بر مشخص کردن مسیر سیاست‌گذاری‌ها در عرضه بهتر خدمات قضایی، نقشه راهی برای مقابله با خلأها و برطرف کردن نقایص موجود در این خصوص می‌باشد. چنانچه ارائه آمار سالانه در خصوص وضعیت اعمال قوانین مصوبه در نهاد یا نهادهای قانون‌گذاری می‌تواند وضعیت اجرای این قوانین و امکان بهبود وضعیت تقنینی مربوط به کانون‌های وکلا را ارتقا دهد.

۵- در عین حال نظارت بر محتوای آزمون‌های ارزشیابی و تأیید اشخاص متقاضی اشتغال به حرفه وکالت و جلوگیری از وقوع انحصار می‌تواند در دستور کار قوای مقننه و مجریه قرار گرفته و زمینه سوء استفاده از موقعیت را فراهم نماید. در طرف مقابل، امکان اعتراض شخص متقاضی به نهادهای بالادستی قضایی بابت عدم پذیرش در آزمون وکالت، می‌تواند ضمانت اجرایی جهت حسن اجراء قوانین و مقررات مربوط در این زمینه باشد.

۶- از دیگر مواردی که می‌تواند به صورت مؤکدی مورد نظر قرار گیرد، نظارت قوای حاکمه بر تعرفه‌های مربوط به دستمزد وکلا، نحوه استفاده از خدمات مربوط به معاضدت قضایی و نظارت بر شوراهای انتظامی درون کانون وکلاست که ضمن رعایت استقلال این کانون‌ها، می‌تواند در راستای اجراء قواعد و اصول شفافیت مالی و غیرمالی عملکرد آن‌ها، نقش به‌سزایی را ایفا کند.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * دیانی، عبدالرسول (۱۳۹۷)، «اعتبار تعهد پرداخت حق الوکاله از محکوم‌به»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۳.
- * رستمی غازانی، امید (۱۳۹۲)، حق برخورداری از وکیل در محاکمات کیفری بین المللی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳.

ب. انگلیسی

- * Austria.factsheet.v3.web.EU.en, **Lawyers training systems in the EU (Austria)**, Information provided by: Österreichische Rechtsanwaltskammertag (ÖRAK), April, 2014, by European Commission;
- * **Comparative Analysis of Bar Associations and Law Societies in Select European Jurisdiction**, Multi-Donor Trust Fund for Justice Sector Support in Serbia, crowds of authors of World Bank, January, 2017, Public Disclosure Authorized;
- * **The Austrian Judicial System**, Vienna 2018, cover and text of the Austrian judicial system, neu.pdf;
- * **Information provided by the Austrian delegation to the CCBE**, January 2012, Austria, EN Austria Morgenbesser;
- * EN.EUL. 20161128.Table. discipline, **Summary OF Disciplinary Proceedings and Contact Points in the EU AND EEA Member States**, CCBE – October 2016;
- * **Legal Professions in Austria**, Media owner, publisher and editor: Federal Ministry for Constitutional Affairs, Reforms, Deregulation and Justice Museumstraße 7, 1070 Wien, bmvrđj.gv.at, Vienna 2018;
- * **Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers**, Chapter 4, Independence and Impartiality of Judges, Prosecutors and Lawyers;

- * **The Austrian Judicial System, Institutions – Agencies – Services**, Vienna, January 2009, Publisher's information: Federal Ministry of Justice, Department Pr 3 – External Relations, Museumstrasse 7A-1070 Vienna, Austria;
- * **Council of Bars and Law Societies of Europe**, Association internationale sans but lucrative, Rue Joseph II, 40 / 8 – 1000 Bruxelles;
- * **CCBE Recommendations on legal aid**, 23/03/2018, Council of Bars and Law Societies of Europe (CCBE), The Voice of the European Legal Profession;
- * **Directory of Regulators of the Legal Profession** .pdf, International Bar Association 2016, the legal voice of the legal profession

Laws and Regulations

- * Directive 2005/36/EC of The European Parliament and of the Council, of 7 September 2005 on the recognition of professional qualifications (Text with EEA relevance), Official Journal of the European Union, L 255/22.
- * Code of Conduct for European Lawyers.
- * Federal law consolidated: Entire legal regulation for the Lawyers' Act, Legal Code (RAO), RGBl. No. 96/1868 (version dated, February 17, 2020);
- * Federal law consolidated: Entire legal provision for the European Lawyers Act, Federal Act on the Free Movement of Services and the establishment of European Lawyers and the Provision of Legal Services by International Lawyers in Austria (EIRAG), BGBl. I No. 27/2000 (NR: GP XXI RV 59 AB 72 S. 19. BR: AB 6101 p. 664.)(version dated 08.02.2020);

* Lawyers' Tariff Act (RATG), BGBl. No. 189/1969 (NR: GP XI RV 1175 AB 1293 p. 141. BR: p. 277). (version dated, March 14, 2020);

* Federal Act of December 12, 1985, with which provisions on the lawyer's examination and other requirements for exercising the lawyer's profession are made (Lawyer's Examination Act - RAPG) ,BGBl. No. 556/1985 as amended by BGBl. No. 612/1986 (DFB) (NR : GP XVI IA 146 / A p. 108. BR: AB 3030 p. 468. NO: Opposition by BR: 788 p. 120.). (version dated March 11, 2020);

* Disciplinary Statute for Lawyers and Trainee Lawyers DSt, Federal Act of June 28, 1990 on the disciplinary law of lawyers and trainee lawyers (Disciplinary Statute for Lawyers and Trainee Lawyers – DSt), BGBl. No. 474/1990 (NR: GP XVII RV 1188 AB 1380 p. 149. BR: AB 3950 p. 533.). (version dated: March.14.2020).